

مبانی و مؤلفه‌های رفتار آوایی در سازمان‌های آموزشی با نگرشی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه

مرضیه محمص^۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی مبانی و مؤلفه‌های اثرگذار بر بروز رفتار آوایی از دیدگاه امام علی (ع) در قالب یک پژوهش کیفی از نوع تحلیل مضمون بوده است. چرا که رفتار آوا به معنای بیان دیدگاه‌های مغایر با وضع موجود و مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری‌ها، در دستیابی به اهداف سازمانی و بالندگی سازمان‌های آموزشی نقش مهمی ایفا می‌کند. بدین منظور پس از بررسی ادبیات نظریه رفتار آوایی، ابتدا مؤلفه‌های بروز رفتار آوا شناسایی شد، سپس با روش تحلیل مضمونی از طریق نمونه‌گیری هدفمند، گفتارهای امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، در شبکه‌ای از مفاهیم ترسیم شد و مضامین مهم‌تر در جایگاه مرکزی قرار گرفت و سایر مضامین، پیرامون این مضامین اصلی سازمان یافت. براساس یافته‌ها، باور به محوریت الهی، نیک‌سرشتی انسان، آزادمنشی انسان و نیز باور به حیات اخروی در زمره مهم‌ترین مبانی اسلامی اثرگذار در این رویکرد شناسایی شد و خوانش اسلامی این نظریه را از رهیافت‌های فردگرایانه غربی، متمایز کرد. در این راستا بر سبک رفتار مشارکتی اسلامی با مؤلفه‌های تقویت همدلی، مسئولیت‌پذیری، نظارت اجتماعی و انصاف‌ورزی نیز تأکید شد. از این رهگذر، تشویق کارکنان در سازمان‌های آموزشی به تبادل نظر با مدیران و ایجاد فضایی برای طرح و اشتراک‌گذاری ایده‌ها و تعدیل نظرات بدون هرگونه تبعات منفی، امری بایسته محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: رفتار آوایی، ایده‌گرایی، رفتار سازمانی مشارکتی، همدلی، نهج‌البلاغه

بیان مسئله

توجه به راهبردهای نوین در کیفیت سرمایه‌های انسانی محیط آموزشی، پیش شرط و راهگشای مسائل سازمانی و منعکس‌کننده خواسته‌ها به مدیریت سازمان‌های آموزشی است. انتقال و اشتراک دانش، پیش شرط تعهد پایدار، ابتکار و فرایندهای یادگیری تعاملی است و انسان‌ها به‌طور معمول کاری را انجام می‌دهند که مایل به انجام آن هستند. رفتار آوا^۱ از سازه‌های مهمی است که در ایجاد یک سازمان آموزشی پویا نقش بسزایی ایفا می‌کند و سکوت نکردن کارکنان در مقابل مسائل سازمان‌های آموزشی، سازمان را از تهدیدات آینده - که می‌تواند اهداف و رسالت سازمان را به مخاطره اندازد - دور نگاه می‌دارد.

سازمان‌های آموزشی متشکل از افرادی است که به‌صورت گروهی روابط متقابل مبتنی بر وابستگی و همبستگی برقرار ساخته‌اند. امروزه چالش‌های پیش روی سازمان‌ها رو به تزاید است. با توجه به آنکه نبود امکان طرح ایده‌ها و نظرات، نارضایتی، افسردگی و اضطراب را به دنبال دارد، بسیاری از آسیب‌ها در سازمان‌های آموزشی، نشأت یافته از ضعف رفتار آوایی کنش‌گران در سازمان‌هاست (موریسون^۲ و میلیکن^۳، ۲۰۰۰). در این راستا بهره‌گیری از تمامی سرمایه‌های فکری در سازمان‌های آموزشی، ضامن بقای سازمان‌های آموزشی در عصر کنونی است.

رفتار آوا به معنای مطرح کردن دیدگاه‌ها از جانب کارکنان یک سازمان در جهت بهبود شرایط کاری و سازمانی، فرصت بیان نقاط نادیدنی سازمان را از طریق افراد همان سازمان فراهم می‌کند. از منظر محققان، آوا به دو صورت بروز می‌یابد: ۱- بیان شکایت یا نارضایتی در یک زمینه کاری توسط کارکنان به مدیریت و ۲- مشارکت کارکنان در فرایند تصمیم‌گیری. به عبارت دیگر حق کارکنان در مشارکت و سهیم شدن در فرایند تصمیم‌گیری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، زمینه‌ساز ارائه اختیاری اطلاعات به منظور بهبود عملکرد سازمانی می‌شود. یکی از محققان، مقوله‌های ذیل رفتار آوایی را مطرح کرده که عبارت است از: ارتباط یا تبادل نظر بین کارکنان و مدیران، حل مسئله از پایین به بالا یعنی ارائه بازخوردها درباره یک موضوع خاص از جانب کارکنان به مدیران، مذاکره دسته‌جمعی و ادراک کارکنان از اینکه بیان نظرها و انتقادات به تغییر منجر می‌شود. آوا یک رفتار چالش‌گر است که شامل بیان دیدگاه‌های مغایر با وضع موجود در محیط سازمان است. بر اساس این مؤلفه‌ها می‌توان گفت رفتار آوا، ناخشنودی‌های درون سازمانی را به ارائه راهکارها تبدیل می‌سازد و فرصتی برای انجام یک فعالیت متمایز برای تغییر یا حذف یک فعالیت جاری در سازمان به شمار می‌آید (کولکارینی^۴، ۲۰۱۰). از این منظر در سازمان‌های آموزشی باید رفتار آوا را مثبت تلقی کرد؛ زیرا رضایت‌مندی و انگیزه کارکنان را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر باعث ایجاد حس خوش‌بینی در افراد می‌شود. همچنین رفتار آوا به مدیران کمک می‌کند تا مسائل و مشکلات مرتبط با سازمان را شناسایی و نوآوری سازمانی را تسهیل کنند. به کارگیری رفتار آوا در سازمان یک خودارزیابی توسط کسانی است که هر روز ضعف‌ها و مشکلات سازمان را

-
- 1- Voice behavior
 - 2- Morrison
 - 3- Milliken
 - 4- Kulkarni

می‌بینند و می‌توانند باتوجه به شناختی که حاصل سال‌ها تجربه در آن موقعیت سازمانی است، به ارائه پیشنهادهاى مثبت پردازند. بنابراین رفتار آوا می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع سازمانی عالی به‌شمار آید که درک بین کارکنان و مدیریت را توسعه می‌دهد (موریسون و میلیکن، ۲۰۰۰).

رفتار آوا یکی از مهم‌ترین مصادیق مشارکت سازمانی به‌شمار می‌آید و در مدل سه‌گانه موریسون (۲۰۱۱)، انواع آوای سازمانی این‌گونه دسته‌بندی شده است:

- آوای پیشنهادمحور: به بیان ایده‌ها و پیشنهادها با هدف افزایش عملکرد سازمان می‌پردازد.

- آوای مسئله‌محور: به انتقال نگرانی در مورد عوامل مخرب موجود و یا بالقوه می‌پردازد.

- آوای عقیده‌محور: به ابراز عقاید مربوط به شیوه‌های کارآمد اختصاص دارد (موریسون، ۲۰۱۱).

انواع رویکردها به مؤلفه‌های رفتار آوا در جدول ذیل خلاصه شده است:

جدول ۱. رویکردهای گوناگون به مؤلفه‌های رفتار آوایی

پریمیوکس ^۱	۲۰۰۳	ارائه ایده‌ها برای تغییر یک سیاست کاری
لیو ^۲	۲۰۱۰	واکنشی به نارضایتی شغلی
هیمز ^۳	۲۰۱۲	اظهار نظر یا بیان ایده‌ها در ارتباط با فعالیت‌های سازمان
تراویز، گومز ^۴	۲۰۱۱	گفت‌وگو در مورد مشکلات برای ایجاد تغییرات باهدف بهبود وضع موجود
دیتر، بوریس ^۵	۲۰۰۷	انتقاد از فرایندهای سازمان به‌هنگام مواجهه با یک موقعیت ناخوشایند
موریسون	۲۰۱۱	مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری پیرامون موضوعات مغفول توسط مدیران
بت، کولوبین ^۶	۲۰۰۲	تلاش در جهت تغییر موقعیت ناخوشایند از طریق بیان نظرات کارکنان
موریسون	۲۰۱۴	بیان کاملاً اختیاری کارکنان در مواجهه با یک موقعیت ناخوشایند
آنیانو ^۷	۲۰۱۵	اظهار نظر در جهت بهبود بهره‌وری سازمان و دستیابی به پیامدهای مناسب در بلندمدت

تاکنون در داخل کشور تحقیقاتی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر انجام شده است که به آن اشاره می‌شود. بهمنی چوبدستی، محمدی‌مقدم و علوی‌اندار جمی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای باعنوان «تأثیر تعهد سازمانی بر انتقال دانش با میانجی‌گری رفتار آوایی کارکنان دانشگاه علوم انتظامی امین»، تأکید داشته‌اند که تعهد عاطفی، تعهد مستمر و تعهد هنجاری به‌عنوان متغیر مستقل و انتقال دانش به‌عنوان متغیر وابسته بر رفتار آوایی کارکنان تأثیر مثبت و معناداری دارند. محمدی و قنبری (۱۳۹۸) در مقاله خود باعنوان «شناسایی و تبیین

1- Premeaux

2- Liu

3- Hames

4- Travis, Gomes

5- Deter, Buris

6- Batt, Calvin

7- Anyano

عوامل مؤثر بر رفتار آوایی کارکنان در دانشگاه‌ها» با روش اکتشافی، شاخص‌های مؤثر بر رفتار آوایی را دسته‌بندی کرده‌اند و به مواردی همچون جو سازمانی، سبک‌های مدیریتی، بازخورد و ارزشیابی، پذیرش تغییر و تکنولوژی، ویژگی‌های شخصیتی و حرفه‌ای و پایبندی به نقش و اهداف سازمانی می‌پردازند. قنبری، زندی و محمدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تسهیل آوای سازمانی از طریق رهبری قابل اعتماد رویکردی به تعاملات رهبر - پیرو»، همبستگی مثبت ابعاد رهبری قابل اعتماد و آوای سازمانی را تأیید کرده و تصریح می‌کنند که مدیران با تأکید بر چشم‌انداز اخلاقی، شفافیت ارتباطی و پردازش متوازن اطلاعات، زمینه ابراز ایده‌ها و بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های کارکنان را فراهم آورند. بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط با نظریه رفتار آوای گویای آن است که رفتار آوای مفاهیم مهم در مباحث مدیریتی است؛ اما هنوز براساس منابع اسلامی مورد واکاوی قرار نگرفته و پژوهشی در زمینه مبانی و مؤلفه‌های رفتار آوای براساس آموزه‌های نهج‌البلاغه انجام نشده است.

بدون تردید مراجعه به دیدگاه‌های امیرمؤمنان (ع) در زمینه‌های گوناگون و به‌طور خاص در این حوزه، سزاوار تأمل فراوان است و نگره نافذ و واقع‌نمای علوی در تمامی ادوار، ظرفیت استخراج مفاهیم و مسائل روزآمد و نوین را داراست و سازمان‌دهی سازمان‌های آموزشی مبتنی بر فرهنگ و آموزه‌های دینی به بهره‌وری بیشتر منجر خواهد شد. بدین منظور پس از بررسی کتابخانه‌ای آراء و نظرات اندیشمندان دیگر مکاتب درباره موضوع رفتار آوایی، با هدف شناخت دیدگاه‌های امیرمؤمنان (ع) در این باره، با روش تحلیل مضمونی، مجموعه بیانات ایشان در نهج‌البلاغه مورد مذاقه قرار گرفته است. در این پژوهش پاسخ‌گویی به این پرسش مد نظر است: مبانی و مؤلفه‌های نظریه رفتار آوایی با نگرشی بر آموزه‌های نهج‌البلاغه چیست؟

روش پژوهش

این پژوهش کیفی به روش تحلیل مضمونی است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳). به این ترتیب با بررسی ادبیات نظریه رفتار آوایی، ابتدا مؤلفه‌های بروز رفتار آوای شناسایی و سپس با روش نمونه‌گیری هدفمند به استنباط مؤلفه‌های مؤثر بر بروز رفتار آوایی براساس آموزه‌های نهج‌البلاغه پرداخته شده است. در این راستا پس از مرور دقیق گزاره‌های نهج‌البلاغه، شبکه‌ای از مفاهیم ترسیم شد و مضامین مهم‌تر در جایگاه مرکزی قرار گرفت و سایر مضامین، پیرامون این مضامین اصلی سازمان یافت.

یافته‌های پژوهش

جامعیت سخنان ارزشمند حضرت علی (ع) موجب شده مجموعه بیانات ایشان به‌عنوان طرحی کارآمد در پی‌ریزی بنیان‌های تربیتی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بررسی اندیشه‌های تعالی‌بخش و بصیرت‌افزای حضرت

امیر (ع) از جمله مصداق‌های عالی در مطالعات تربیتی و آموزشی به‌شمار می‌آید که می‌توان از آن بهره گرفت. از رهگذر مطالعه بیانات حضرت (ع) با رویکرد تحلیل مضمونی مبانی و مؤلفه‌های رفتار آوایی در سازمان‌های آموزشی، یافته‌های ذیل به‌دست آمد:

۱- مبانی رفتار آوایی در نگرش علوی

مبانی رفتار آوایی به‌معنای مفروضات بنیادینی است که بروز رفتار آوا، تحت تأثیر آن قرار دارد. اینک مهم‌ترین باورهایی که در بروز رفتار آوایی اثرگذار است، براساس واکاوی گزاره‌های نهج‌البلاغه به شرح ذیل (نمودار ۱) دسته‌بندی می‌شود:



نمودار ۱. مبانی رفتار آوایی در نگرش علوی

۱-۱- باور به محوریت الهی

اصلی‌ترین مبنای بروز رفتار آوا در سازمان‌های آموزشی که به‌صورت محوری بر تمام مؤلفه‌های رفتار آوایی احاطه دارد، بحث رابطه فرد با خداوند است؛ زیرا در باور اسلامی جهت‌گیری تمامی فعالیت‌ها در اثرگذاری آن بسیار نقش‌آفرین است. از این منظر خداوند مسبب کیفیت پیوند انسان‌ها با یکدیگر است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «کسی که میان خود و خدا اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد»^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۱۹) و «هر که باطن خود را نیکو سازد، خداوند هم ظاهرش را نیکو جلوه دهد.

۱- مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ

هر که برای دینش کار کند، خداوند کار دنیایش را کفایت کند و هر که رابطه خود را با خدا نیکو گرداند، خداوند، رابطه او را با مردم نیکو گرداند»^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۴۲۳).

در نظام‌واره تفکر دینی، پروردگار واجد وصف خالقیت، تعیین‌کننده الزامات زندگی وی در تمامی رفتارهای فردی و اجتماعی است. حضرت (ع) در فرازهای متعددی به موضوع خدامحوری می‌پردازد که از جمله این موارد می‌توان به بحث ناتوانی اندیشه‌ها از رسیدن به درجه معرفت کنه ذات الهی^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۹۱)، تنزیه پروردگار از صفات مخلوقات^۳ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۷۹) و وجوب تلاش برای کسب معرفت صفات و تجلیات الهی^۴ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱) اشاره کرد. از منظر حضرت علی (ع) «اگر انسان‌ها در عظمت قدرت و بزرگی نعمت خداوند می‌اندیشیدند، به راه راست باز می‌گشتند»^۵ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۱۵).

چگونگی شناخت خداوند، تحولی در تمام شئون زندگی انسان پدید می‌آورد. حضرت در فرازهای متعددی از اوصاف حسنی الهی پرده برمی‌دارد؛ «بر خدای سبحان و متعال آنچه بندگان در شب و روزشان می‌کنند، پوشیده نیست»^۶ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۹۹). «خداوند گناهان بندگان را در خلوت‌ها می‌داند»^۷ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۹۹). «خداوند بر هر چیز احاطه دارد و بر هر چیز چیره است و بر همه چیز تواناست»^۸ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۶). «از او یاری می‌جوییم؛ یاری کسی که به فضلش امید بسته و عطایش را آرزومند است و اطمینان دارد که بلا را از او دفع می‌کند»^۹ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۸۲). «خداوند او را بیهوده نیافریده و رها نکرده است»^{۱۰} (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۶۴). «خداوند رازها را می‌داند و بر درون‌ها بیناست. بر هر چیز احاطه دارد، بر همه چیز چیره و بر همه چیز تواناست»^{۱۱} (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۶). «عظمت آفریننده هستی نزد تو، آفریده را در دیده‌ات کوچک می‌کند»^{۱۲} (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۶).

- ۱- مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ وَ مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاةٍ وَ مَنْ أَحْسَنَ فِيهَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ
- ۲- لَا يُنَالُ بِجَوْرِ الْعِغْسَافِ كُنْهُ مَعْرِفَتِهِ وَ لَا تَخْطُرُ بِبَالِ أُولَى الرُّبُوبَاتِ خَاطِرَةٌ مِنْ تَقْدِيرِ جَلَالِ عِزَّتِهِ
- ۳- قَرِيبٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ غَيْرِ مَلْبَسٍ بَعِيدٍ مِنْهَا غَيْرِ مَبْأِينٍ مُتَكَلِّمٍ لَهَا بِرُؤْيَةٍ مُرِيدٍ لَهَا بِهَيْمَةٍ صَانِعٍ لَهَا بِجَارِحَةٍ لَطِيفٍ لَهَا يُوصَفُ بِالْخَفَاءِ كَبِيرٍ لَهَا يُوصَفُ بِالْجَفَاءِ بَصِيرٍ لَهَا يُوصَفُ بِالْحَاسَةِ رَحِيمٍ لَهَا يُوصَفُ بِالرَّقَّةِ تَعْنُو الْوَجْهَ لِعَظَمَتِهِ وَ تَجِبُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِهِ
- ۴- أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ
- ۵- وَ لَوْ فَكَّرُوا فِي عَظِيمِ الْقُدْرَةِ وَ جَسِيمِ النِّعْمَةِ لَرَجَعُوا إِلَى الطَّرِيقِ
- ۶- إِنْ اللَّهُ سَبَّحَانَهُ وَ تَعَالَى لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا الْعِبَادُ مُقْتَرِفُونَ فِي لَيْلِهِمْ وَ نَهَارِهِمْ لُطْفَ بِهِ خُبْرًا وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمًا أَعْضَاؤُكُمْ شَهُودَةٌ وَ جَوَارِحُكُمْ جُنُودَةٌ وَ ضَمَائِرُكُمْ عِيُونَةٌ وَ خَلَوَاتُكُمْ عِيَانَةٌ
- ۷- أَحَاطَ بِهِ عِلْمًا أَعْضَاؤُكُمْ شَهُودَةٌ وَ جَوَارِحُكُمْ جُنُودَةٌ وَ ضَمَائِرُكُمْ عِيُونَةٌ وَ خَلَوَاتُكُمْ عِيَانَةٌ
- ۸- قَدْ عَلِمَ السَّرَائِرَ وَ خَبَرَ الضَّمَائِرَ لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْغَلْبَةُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُوَّةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
- ۹- نَسْتَعِينُ بِهِ اسْتِعَانَةً رَاجٍ لِفَضْلِهِ مُؤْمِلٍ لِنَفْعِهِ وَآتِقٍ بِدَفْعِهِ
- ۱۰- فَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدًى
- ۱۱- قَدْ عَلِمَ السَّرَائِرَ وَ خَبَرَ الضَّمَائِرَ لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْغَلْبَةُ لِكُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُوَّةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
- ۱۲- عِظَمُ الْخَالِقِ عِنْدَكَ يُصَغِّرُ الْمَخْلُوقَ فِي عَيْنِكَ

حکمت (۱۲۹). «خود را در همه کارها در پناه خدای خویش قرار ده که اگر چنین کنی، به پناهگاهی استوار و در پناه نگاهبانی نیرومند درآمده‌ای»^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۳۱). در این دایره مفهومی، جایگاه انسان زمانی متبلور می‌شود که به منبعی مقدس متصل شده و از بندگی نفسانیت رها شود.

توحیدمحوری یک اصل اساسی در آموزه‌های اسلامی محسوب می‌شود. توحید علاوه بر آنکه تعبیری راجع به ذات وجودی الهی است، راه و روشی برای کمالیابی و شناخت بنیادین عالم هستی است و تمامی جنبه‌های زندگی حول آموزه توحید معنا می‌یابد. هر جلوه‌ای از وجود انسان در ارتباط فعالی با اصل توحید است (نصر، ۱۳۸۳، ص ۹۵). این امر فطری که موقداً مورد توجه رسالت‌های الهی قرار گرفته، تنها منحصر به ساحت قلب و درونیات انسان نیست؛ بلکه اثر آن اعتقاد درونی در ساختار اجتماع انسانی کاملاً هویداست. به عبارت دیگر توحید به مفهوم دید امیدوارانه به ایجاد تحول مثبت و متعالی در جامعه، یگانه قوه محرکه تمامی انبیاء بوده است. در نگره خدامحور، حقوق مردم در جامعه همچون حقوق الهی پاس دانسته و روابط اجتماعی اصلاح می‌شود؛ زیرا این مهم ضامن تحقق اخلاق است و در پرهیز از رذایل و دستیابی به فضایل نقش بسیار مؤثری دارد.

۱-۲- باور به نیک‌سرشتی انسان

در تعالیم ادیان به‌ویژه اسلام، پس از مسئله خدا، انسان، محوری‌ترین مسئله محسوب می‌شود و اساساً آفرینش جهان و ارسال رسل برای تحقق سعادت نهایی وی صورت می‌پذیرد. مسئله بروز رفتار آوایی پیش از آنکه پدیده‌ای اجتماعی و وابسته به تشکیل سازمان‌های آموزشی باشد، یک موضوع وجودشناختی است که به نظریه اسلام درباره انسان مربوط می‌شود. به عبارت دیگر در چشم‌انداز جامعه‌شناختی اسلامی، هویت هر شخص مستقل از جایگاه وی در سازمان نیز موضوعی قابل توجه برای تفکر و تحقیق است.

در دیدگاه اسلامی، هویت اجتماعی انعکاسی از هویت فطری الهی است و نقش سازمانی آنان نیز در ذیل نقش هستی‌شناختی تعریف می‌شود. در این چشم‌انداز هر شخص، صرف‌نظر از مسئولیتی که در جامعه برعهده دارد و میزان مشارکتی که برای اداره جامعه ارائه می‌کند، مسئولیت اساسی‌تر تماشاگری و بازیگری در مجموعه جهان هستی را بر دوش می‌کشد. از این رو نقش هستی‌شناختی افراد بیش از نقش اجتماعی آنان تأثیرگذار است؛ بلکه حتی جهت‌دهنده اصلی به فعالیت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و بالاخره نقش اجتماعی مردم و نیز روابط آن‌ها با عالم وجود است.

امیرمؤمنان (ع) از کسی که به دنبال گمشده‌ای می‌رود، اما خود را گم کرده و به دنبال آن نیست، ابراز تعجب و شگفتی می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۳). انسان زمانی که شناخت صحیح از خود نداشته باشد، نمی‌تواند جایگاه و موقعیت اصلی خود را در عالم آفرینش دریابد، نیازهای راستین خویش را هم نمی‌تواند تشخیص دهد و به تبع آن از پاسخگویی بدان نیازها عاجز خواهد بود.

۱- أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بُنَى وَ لَزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتِصَامِ بِحَبْلِهِ وَ أَيُّ سَبَبٍ أَوْثَقُ مِنْ سَبَبِ بَيْنِكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ

شناخت صحیح انسان از خود در نوع نگرش وی به پدیده‌های هستی و همچنین شناسایی نقاط قوت و ضعف انسان، تأثیر بسزایی دارد و در متعادل‌سازی سطح انتظارات انسان از خویشتن بسیار اثرگذار است. از این رهگذر، موانع رشد و تعالی بازشناسی شده و انسان به سمت کشف ظرفیت‌ها و استعداد‌های خویش سوق می‌یابد. رهایی از بیهودگی و تجربه زندگی هدفمند، جز با شناخت هدف اصلی آفرینش انسان و درک عظمت و منزلت واقعی وی میسر نخواهد شد.

در تعبیر حضرت امیر (ع)، انسان وقتی خود و مقصد اصلی خویش را شناسایی کند، تمام تلاش خود را برای نیل به هدف والای انسانی به کار خواهد گرفت^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۹۹) و فریفته دنیا و متعلقات آن نمی‌شود^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۴۲). درمقابل جهل انسان به خود موجب می‌شود با ماهیت اصیل خویش بیگانه گشته و بخشی از ابعاد وجود خویش را، تمام وجود خود تصور کند و از توجه به ابعاد دیگر غفلت ورزد. از منظر امام (ع) شناخت جایگاه انسان، او را از هلاکت بازمی‌دارد^۳ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۱۴۹) و از قید و بند دنیا می‌رهاند^۴ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۱۳۳).

در نگره اسلامی، انسان مرکب از دو حیثیت درهم تنیده جسم و روح است (حجر، ۲۹-۲۸) و فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است (روم، ۳۰). بنابراین برخورداری انسان از فطرتی الهی، زمینه مساعدی برای جهت‌دهی به تمامی شناخت‌ها، گرایش‌ها و اعمال وی فراهم می‌آورد. براین مبنا آدمی با درون‌مایه فطری خود، رو به سوی خدا دارد و چونان جسم ثقیل و خاموشی نیست که نیروی عظیمی برای کردن و راندن او به سوی خدا لازم باشد. اگر نیرویی لازم است، تنها برای تغییر جهت و سو دادن به موجودی در حال حرکت است. شخصیت و زندگی انسان تا حد قابل توجهی از شرایط پیرامونی تأثیر می‌پذیرد و در موقعیت‌های جمعی صیقل می‌یابد (حجرات، ۱۳). به عبارت دیگر برآیند بینش‌ها، گرایش‌ها، کشش‌ها و منش‌های انسان از وضع محیط اجتماعی تأثیر می‌پذیرد؛ هرچند که می‌تواند با شناخت جامعه بر تحولات اجتماعی تأثیرگذار باشد. البته حاصل تعامل پیوسته فرد به‌منزله عنصری آگاه، آزاد و مختار با گستره جهان هستی می‌تواند در جهت صعود یا سقوط قرار گیرد.

نکته شایان توجه دیگری که در ترسیم جایگاه انسان بسیار اثرگذار است، کرامت ذاتی اوست. کرامت خصیصه‌ای سرشتی در وجود انسان است و حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع انسان است. ارزشمندی انسان به دلیل توان تشخیص و انتخابگری مستلزم آن است که تمامی شئون فردی و اجتماعی او با این اصل منافاتی نداشته باشد. «منشاء این کرامت عبارت از صفات، نیروها و استعداد‌های بسیار بااهمیت است که با به‌کار انداختن آن‌ها و تکاپوی مخلصانه در مسیر حیات معقول به اتصاف به کرامت عالی ارزشی نائل می‌شود» (جعفری، ۱۳۷۰، ص ۲۸۰). از این جهت همه انسان‌ها از یک گوهرند و هیچ‌کس را بر دیگری فضیلت و برتری

۱- رَجَالٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ وَلَا فَرَّةٌ عَيْنٍ مِنْ وَكْدٍ وَلَا مَالٌ
 ۲- فَكُونُوا مِنْ أبنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا مِنْ أبنَاءِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كُلَّ وَكْدٍ سَيَلْحَقُ بِأبيه يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 ۳- هَلَكَ أَمْرٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ
 ۴- الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتَعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا

مفروض نیست. این اصل تنظیم‌کننده بسیاری از روابط انسانی و حافظ بسیاری از ارزش‌های فردی و اجتماعی است. انسانی که خود را ارزشمند بداند، کرامت دیگران را نیز پاس خواهد داشت.

در تفکر اسلامی بالاترین جهالت، آشنایی نداشتن با کرامت و شخصیت خویشتن است. خداوند متعال انسان را به تأمل در خویشتن فرا می‌خواند (مائده، ۱۰۵). امیرمؤمنان (ع) نیز خودشناسی را سودمندترین شناخت‌ها^۱ معرفی می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۲۰).

انسانی که کرامت ذاتی را از جانب پروردگارش به ارمغان آورده، براساس نوع بینشی که از جایگاه خود در نظام هستی داراست، ارزش‌ها و نقش‌های اجتماعی را می‌پذیرد و به جامعه حیات می‌بخشد (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص ۳۵۰). از منظر اندیشوران اسلامی، انسان از ظرفیت‌ها و استعداد‌های فوق‌العاده‌ای در بعد ادراکی، شناختی و گرایشی برخوردار است؛ به گونه‌ای که هیچ موجود دیگری قابل مقایسه با او نیست (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۱۵۷).

توجه به کرامت انسانی، اصلی قابل توجه در دیدگاه اسلامی نسبت به جایگاه اجتماعی انسان تلقی می‌شود. بنابراین هرگونه تصرفی در روابط اجتماعی که کرامت انسان را زایل کند و توهینی به جایگاه او محسوب شود، بر خلاف اصول شرعی شمرده می‌شود. از منظر مفسران، انسان مخلوقی است که به واسطه تجهیز به زمینه‌های رشد در مسیر کمال، از دیگر مخلوقات متمایز شده است. قوای عقل، نوآوری در بهره‌گیری از آسمان و زمین، توانمندی دسترسی به عرصه شناخت و وصول به اهدافی که خداوند انسان را بدان سبب آفرید، خصوصیتی است که موجب برتری نوع انسان بر سایرین شد (طباطبایی، ۱۳۸۰، ج ۱۴، صص ۱۸۰-۱۷۸).

قرآن کریم (بقره، ۱۳۰) انسان‌ها را به لزوم توجه به منزلت رفیع خویش و مسئولیت‌هایی که برآمده از چنین جایگاهی است، متوجه می‌سازد. این توجه نه تنها به تفاخر، جمود و تباهی منتهی نخواهد شد، بلکه دستاورد آن از یک سو، رهایی از فردگرایی و خودپسندی است و از دیگر سوی سبب تجدید حیات انسان و توانایی‌های او می‌شود و او را به نیرویی کارآمد و متجدد مبدل می‌کند که با واقعیت هم‌خوانی دارد، شخصیتی تأثیرگذار و چند بعدی است که در هر صبح به یک واقعیت و وظیفه‌ای جدید نظر دارد و همیشه در طریقی حرکت می‌کند که به نور خداوند روشن است. چه بسا این امر برای انسان احساسی ژرف پیرامون وجود به همراه داشته باشد که از ضعف و نگرانی فشارهای خارج از طبیعت او دور باشد و به واسطه نیروی عظیمی که از این احساس پدید آمده می‌تواند بر همه جهان غلبه یابد (فضل‌الله، ۱۳۹۹، ج ۱، صص ۲۱۹-۲۱۸).

۳-۱- باور به آزادمنشی انسان

از جمله شاخصه‌های نگرش اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت، تصریح بر آزادی انسان است. پذیرش موضوع آزادی از سوی اسلام، حاصل پذیرش اصول معین و ویژه‌ای در انسان‌شناسی اسلامی است. از جمله می‌توان به انتخابگری انسان، مکلف بودن او، مورد آزمایش قرار گرفتن و برخورداری وی از مقام خلیفه الهی اشاره کرد.

اسلام تمایلات عالی انسان را منشاء آزادی انسان می‌شمرد. آزادی لازمه هویت انسانی و به معنای رهایی از هرگونه مانعی در مسیر تکامل انسانی است. آزادی توأم با احساس مسئولیت از اصلی‌ترین حقوق انسانی به‌شمار می‌رود و می‌توان گفت غایت دستگاه تعقل و ادراک، بهره‌گیری آزادانه از مواهب خلقت در سیر استکمالی بشر است. در این شاکله فکری، آزادی تنها در رفع محدودیت‌ها و موانع خلاصه نمی‌شود، بلکه از آنجاکه آزادی حقیقی در گرو تکامل واقعی انسان است، زمینه‌سازی و فراهم آوردن موجبات این تکامل نیز از لوازم آزادی انسان است. هر قدر موجبات تکامل و تعالی آدمی بیشتر فراهم شود، در واقع آزادی او بیشتر فراهم شده است. بنابراین آزادی تنها به معنی رهایی نیست، بلکه این رهایی باید بر حسب نتایجی که بر آن مترتب می‌شود، مورد بازبینی قرار گیرد. تنها گونه‌هایی از رهایی به منزله آزادی نگریسته می‌شود که موانع رشد آدمی را از میان برمی‌دارد و زمینه رسیدن به مرتبه مطلوب از انسان را فراهم می‌آورد. در غیر این صورت، صرف رهایی از هر بندی می‌تواند به منزله تسلیم شدن به امیال، زمینه اسارت بزرگ‌تری را فراهم آورد (باقری، بی‌تا، ص ۱۳۳).

به عبارت دیگر مفهوم آزادی در فرهنگ اسلامی بر دو پایه آزادی معنوی و آزادی اجتماعی بنا شده است. اهمیت آزادی معنوی یا توانمندی تسلط بر غرایز و شهوات تا حدی است که حتی در جایگاه اجتماعی مسلمانان تأثیرگذار است (فاسی، ۱۹۷۹، ص ۲۴۷). به دیگر سخن، در پس هر حقی برای فرد، حقی برای جامعه نهفته است؛ بنابراین همواره مسئولیتی آگاهانه نسبت به حق و پایبندی بدان وجود دارد.

اگر بپذیریم که اسلام برای مراعات مصالح بندگان در دنیا و آخرت دارای برنامه‌ای اجرایی است و این مصالح دارای مراتب متفاوتی از ضرورت‌ها تا اولویت‌هاست، پس لزوماً این مصالح قواعدی کلی را تشکیل می‌دهد که علاوه بر آنکه جایگاه فردی انسان‌ها را تنظیم می‌کند، محدوده جایگاه اجتماعی را نیز تعیین می‌کند. به هر ترتیب، ایده آزادی در اسلام بر مطلق بودن آزادی فرد در همه امور، تا زمانی که با حق یا با مصالح عمومی برخورد پیدا نکرده، استوار است و چنانچه با حق یا مصالح عمومی برخورد پیدا کرد، تجاوزی است که باید در برابر آن ایستاد و آن را مهار کرد.

پس تا زمانی که هر کس در چارچوب حقوق خود عمل کند و به مصالح عمومی آسیب نرساند، کسی متعرض او و آزادی‌هایش نیست. بنابراین آزادی مطلق وجود ندارد. مصلحت‌ها، فرار از آسیب‌ها، عادات و آداب و رسوم از جمله عوامل محدود کننده آزادی است. ناگفته هویداست در زندگی اجتماعی ملاحظه نکردن منافع دیگران، مسبب هرج و مرج و کشمکش‌هاست.

امیرمؤمنان (ع) آزادی را لازمه هویت انسانی و در زمره حقوق اولیه بشر به‌شمار آورده و تصریح می‌کند که انسان به‌نحو سرشتی آزاد آفریده شده و چنانچه خود به بندگی دیگران تن ندهد، بدون تردید آزاد است؛ زیرا خداوند این حق را به همگان عنایت کرده است^۱ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶، ص ۱۹۵). از این منظر آزادی حقیقی، رهایی از بندگی خود و دیگران است. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «خود را برده دیگران مساز؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است.» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). امام علی (ع) حقیقت آزادی را به‌نحو بلیغی تفسیر می‌فرماید: «نفس

۱- آیها الناس ان آدم لم یلد عبداً و لا امةً و ان الناس کلهم احراراً الا من اقر علی نفسه بالعبودية

خود را از هرگونه پستی بازدار؛ هرچند که تو را به اهدافت رساند. زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی، بهایی به دست آوری. برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید»^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۳۱). براساس این تعبیر، آزادی انسان موهبتی الهی است و ضرورت دارد انسان، گوهر حریت خویش را صیانت کند. امام، آزادی از اسارت آرزوها و هوس‌ها را در سایه تربیت عدالت‌گرا ممکن می‌داند و در حکمتی رهایی‌بخش می‌فرماید: «ای اسیران آرزوها بس کنید؛ زیرا صاحبان مقامات دنیا را تنها دندان حوادث روزگار به هراس افکند. ای مردم کار تربیت خود را خود بر عهده گیرید و نفس را از عادت‌هایی که به آن حرص دارد، بازگردانید»^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۳۵۹). از منظر امام، آزادی بی‌قید و بند سبب انحراف از مسیر عدالت شده و انسان را از کمال و رستگاری باز می‌دارد. چنانکه آن حضرت می‌فرماید: «به خود بیش از اندازه آزادی ندهید که شما را به ستمگری می‌کشاند»^۳ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۸۶).

آزادی توأم با عدالت در سیره علوی چنان پیوند وثیقی دارد که متضمن احترام به حقوق اساسی و حق حیات معنوی مردم است. ایشان از یک‌سو انسان‌ها را از سلب آزادی خود با بندگی دیگران نهی کرده و از سوی دیگر آنان را درباره احترام گذاشتن به آزادی دیگران توصیه می‌کند^۴ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۳۱). همچنین در نامه خود به مالک اشتر، آزادی دادن به مردم را موجب جلب اعتماد و وفاداری آنان و رفع مشکلات می‌داند^۵ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۵۳).

مطابق این دیدگاه، آزادی، معنایی بسیار وسیع می‌یابد و رهایی از قید بندگی غیر خدا را در تمامی حوزه‌های فردی و اجتماعی شامل می‌شود. به عبارت دیگر مقصود از آزادی‌های اجتماعی، ایجاد ارتباط میان امت اسلامی برای دستیابی کمال اخروی و رهایی از قید اسارت تعلقات دنیوی است و چنانچه هر نوعی از آزادی‌های اجتماعی، انسان را از بندگی خداوند خارج کند، آزادی واقعی نیست. حضرت ضمن تأکید بر نقش آگاهی‌بخشی پیامبران الهی و آشکارسازی گنج‌های پنهان در عقل مخاطبان^۶ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱)، کارآمدترین سرمایه الهی برای شناخت راه رستگاری را تفکر و آزاداندیشی دانسته و می‌فرماید: «عقل تو را کفایت می‌کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانند دهد»^۷ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۴۲).

شهید مطهری روش تعامل امام با خوارچین توصیف می‌کند: «آن حضرت در انتها درجه آزادی و دموکراسی رفتار کردند. زندانشان نکردم و حتی سهمیه آنان را از بیت‌المال قطع نکرد. آن‌ها همه‌جا در اظهار

۱- وَ أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ إِنْ سَأَفْتِكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاظَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا

۲- يَا أَسْرَى الرَّغْبَةِ أَفْصِرُوا فَإِنَّ الْمُعْرَجَ عَلَى الدُّنْيَا لَا يَرُوعُهُ مِنْهَا إِلَّا صَرِيفَ أُنْيَابِ الْجِدَاتِ أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا وَ اَعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا

۳- وَلَا تَدَاهِنُوا فِيهِجَمَ بِكُمُ الْاِدْهَانَ إِلَى الْمَعْصِيَةِ

۴- وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا

۵- اَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِأَدْعَى إِلَى حُسْنِ ظَنِّ رَاعٍ بِرَعِيَّتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ وَ تَخْفِيفِهِ الْمَثُونَاتِ عَلَيْهِمْ

۶- وَ اتَّرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مِنْ نَسِي نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوْا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ

۷- كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سُبُلَ غَيْبِكَ مِنْ رُشْدِكَ

عقیده آزاد بودند» (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۳۹). ایشان تضارب آرا را بستر رویش نظرات صحیح می‌داند.^۱ از این رو اصحاب خود را به بیان صادقانه و بدون واژه‌های اندیشه‌ها و نظرات دعوت می‌کند. البته برخورد مدافعانه در مقابل اظهار عقیده‌های توطئه‌گرانه، رویه‌ای پیشگیرانه بود که حضرت بدان اهتمام داشت. مثلاً اصرار خوارج به تبلیغات باطل میان مسلمانان سبب شد حضرت درباره آنان متذکر شود: «اگر سکوت کنند، آنان را جزو جماعت خود می‌دانیم، اگر لب به اعتراض بگشایند، با منطق جواب آنان را می‌دهیم و اگر ضد ما قیام کنند، به جنگ‌شان می‌رویم.» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۶۵). به عبارت دیگر چنانچه آزادی به توطئه و سلب امنیت اجتماعی بیانجامد و برای مصالح جامعه آسیب‌رسان باشد، حضرت به‌طور جدی با آن مقابله کرده و کسانی را که در این عرصه تساهل می‌کنند، «مرده زنده نما» می‌نامد^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۳۵۷). امام به سبب مرز آزادی‌ها را مصلحت‌های جمعی می‌داند. از جمله خطاب به عقیل که به سبب رابطه خویشاوندی، از حضرت تقاضای سهم بیشتری از بیت‌المال را دارد، با وجود توانایی و آزادی عمل، از چنین تصرفی در بیت‌المال امتناع می‌ورزد^۳ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۲۶). همچنین همواره کارگزاران خویش را نسبت به سوءاستفاده نکردن از آزادی‌ها توصیه کرده است^۴ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۵).

۱-۴- باور به زندگی اخروی

در نظام اعتقادی اسلامی، هستی با مرگ انسان پایان نمی‌پذیرد؛ بلکه به مراتب بالاتری از حیات ارتقاء می‌یابد. بنابراین زندگی دنیوی انسان زمینه‌ساز کیفیت زندگی اخروی اوست. در آموزه‌های علوی حیات ثانویه انسانی کارکرد مهمی در خودمهارگری وی دارد: «کسی که بسیار یاد آخرت کند، گنااهش کاهش یابد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۵).

در سیره عملی امام (ع) با توجه دادن مخاطبان به آخرت، آنان را از تزیین حقوق مردم باز می‌دارند و به برادر خویش عقیل که درخواست متجاوزانه پول از بیت‌المال داشت، آهنی گذاخته را نزدیک کرد و او را متوجه عذاب اخروی فرمود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۶۱۳). یادآوری حیات اخروی در مکتب علوی، تلاش مضاعف دنیوی در مسیر کسب رضایت الهی را به دنبال دارد؛ زیرا دنیا بهای آخرت به‌شمار می‌آید^۵ (سیدرضی، ۱۳۷۴،

رتال جامع علوم انسانی

۱- اضربوا بعض الراي بعض يتولد منه الصواب
 ۲- وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ
 ۳- لَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالُ اللَّهِ أَلَا وَ إِنِّي إِعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْدِيرٌ وَ إِسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يَكْرُمُهُ فِي النَّاسِ وَ يَهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَ لَمْ يَضَعْ أَمْرًا مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ لَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَ كَانَ لَغَيْرِهِ وَ دُهُمُ فَإِنْ زَلَّتْ بِهِ النُّعْلُ يَوْمًا فَاحْتِاجَ إِلَيَّ مَعُونَتِهِمْ فَشَرَّ خَلِيلٍ وَ الْأُمُّ خَدِينٍ
 ۴- وَ إِنِ عَمَلِكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ وَ أَنْتَ مُسْتَرْغَى لِمَنْ فَوْقَكَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَتَا فِي رَعِيَّةٍ وَ لَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَيْثِقَةٍ وَ فِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْتَ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تَسَلِّمَهُ إِلَيَّ وَ لَعَلِّي أَلَا أَكُونَ شَرًّا وَ لَاتِكَ لَكَ (سیدرضی، ۱۳۷۴، ص ۳۶۶، نامه ۵)

۵- وَ لَيْسَ الْمُتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ ثَمَنًا وَ مِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عِوَضًا وَ مِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَ لَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَ قَارَبَ مِنْ خَطْوِهِ وَ سَمَّرَ مِنْ نُوبِهِ وَ زَخَرَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ

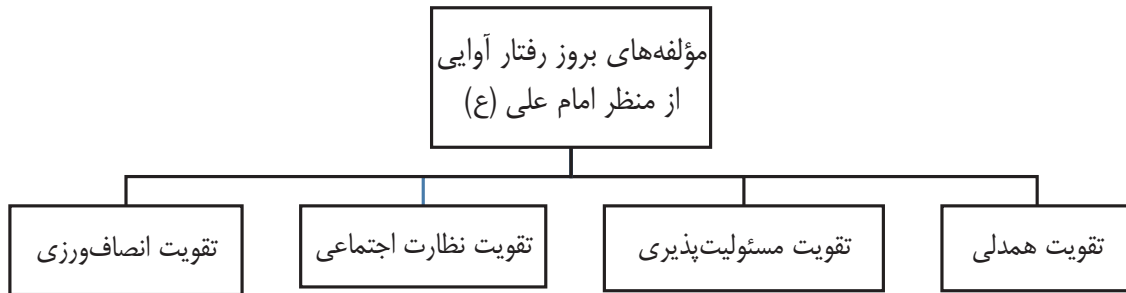
خطبه ۳۲). حضرت امیر (ع) می‌فرماید: «و بدانید ای بندگان خدا، که پرهیزگاران، هم در این دنیای زودگذر سود برند و هم در جهان آینده آخرت. آن‌ها با مردم دنیا در کارهای دنیوی شریک شدند و مردم دنیا با ایشان در کارهای اخروی شریک نشدند. در دنیا زیستند، نیکوترین زیستن‌ها و از نعمت دنیا خوردند، بهترین خوردنی‌ها و از دنیا بهره‌مند شدند آن سان که اهل ناز و نعمت بهره‌مند شدند و از آن کامیاب گردیدند، چونان که جباران خودکامه کام گرفتند. سپس رخت به جهان دیگر کشیدند با ره‌توشه‌ای که آنان را به مقصد رسانید و با سودایی که سود فراوان‌شان داد. لذت زهد را در دنیا چشیدند و یقین کردند که در آخرت در جوار خداوندند. اگر دست به دعا بردارند، دست‌شان را واپس نگرداند و بهره‌شان از خوشی و آسایش نقصان نگیرد»^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۲۷). همچنین می‌فرماید: «فراوان به یاد مردن باش و یاد آنچه با آن برمی‌آیی و آنچه پس از مردن روی بدان نمایی، تا چون بر تو آید، ساز خویش را آراسته باشی و کمتر خود را بسته و ناگهان نیایی و تو را مغلوب کند و مبادا فریفته شوی که بینی دنیاداران به دنیا و بر سر دیانت بر یکدیگر می‌جنگند، دل می‌نهند»^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۳۱).

آخرت‌اندیشی، زمینه‌ساز تفکر واقع‌گرا و تعلق‌نداشتن خاطر به هوس‌های دنیوی است و پشتوانه توسعه ابعاد مختلف جایگاه اجتماعی انسان به‌شمار می‌آید. آخرت‌اندیشی، نوع نگاه انسان به دنیا را تنظیم می‌کند. حضرت می‌فرماید: «دنیا (در دیده بصیرت‌بین) سرای راستی برای راستگویان، خانه تندرستی برای دنیاشناسان، خانه بی‌نیازی برای توشه‌گیران و خانه پند برای پندآموزان خواهد بود. دنیا سجده‌گاه دوستان خداست که در اینجا رحمت خدا را به دست می‌آورند و به بهشت الهی می‌رسند»^۳. ظهور مبانی آخرت‌مداری در مؤلفه‌های سازمانی ایجاب می‌کند که در تمام رفتارهای سازمانی، توجه عمده به حقایق و واقعیت‌هایی باشد که همسو با زندگی اخروی بوده و در راستای استراتژی حیات طیبه است. گستره این امر، دامنه وجودی انسانی است و شامل تمام مراحل زندگی می‌شود.

۲- مؤلفه‌های بروز رفتار آوایی در نگرش علوی

واکاوی آموزه‌های نهج‌البلاغه با محوریت مؤلفه‌های بروز رفتار آوایی گویای آن است که موارد ذیل در زمره مهم‌ترین مؤلفه‌ها به‌شمار می‌آیند:

- ۱- أَنْ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجَلِ الْآخِرَةِ فَشَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ لَمْ يُشَارِكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنَتْ وَ أَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ فَحَظُّوا مِنَ الدُّنْيَا بِمَا حَظَى بِهِ الْمُتَرَفُّونَ وَ أَخَذُوا مِنْهَا مَا أَخَذَهُ الْجَبَّارَةُ الْمُتَكَبِّرُونَ ثُمَّ انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ وَ الْمَتَجَرِّ الرَّابِحِ أَصَابُوا لَذَّةَ زُهْدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ
- ۲- يَا بَنِي آدَمَ إِنَّكَ أَكْثَرُ مَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ وَ ذَكَرَ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ وَ تَفْضَى بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيكَ وَ قَدْ أَخَذْتَ مِنْهُ جِذْرَكَ وَ شَدَدْتَ لَهُ أَرْزَكَ وَ لَا يَأْتِيكَ بَعْتَهُ قَبِيهْرَكَ
- ۳- إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَ عَنْهَا وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ



نمودار ۲. مؤلفه‌های بروز رفتار آوایی در نگرش علوی

۱-۲- تقویت همدلی

مهرگستری و غنی ساختن روابط اجتماعی به‌مثابه یکی از بنیان‌های اخلاقی دینی، آرامش‌آفرین است. محبت‌ورزی نشأت‌یافته از احساس عاطفی و تعلق میان عاملان در سازمان‌هاست. بدون تردید عواطف همدلانه و محبت‌ورزی، ساحت قلبی افراد را به یکدیگر نزدیک می‌کند. این موضوع در نهج‌البلاغه مورد تأکید قرار گرفته است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مهربانی بر رعیت را پوشش قلبت قرار ده و به آن‌ها محبت کن و لطف داشته باش. برای آن‌ها چون حیوانی درنده و ضرررسان نباش که خوردن‌شان را مغتنم شماری. مردم دو دسته‌اند: یا برادر ایمانی تو، یا مثل تو انسانند و هم‌کیش تو نیستند. گناهی از آن‌ها سر می‌زند و سبب‌های بدکاری از روی عمد یا سهو به آنان روی آورده، پس تو از گناهان بگذر، چنانکه دوست داری خداوند تبارک و تعالی از لغزش‌هایت بگذرد و تو را عفو فرماید»^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۵۳).

می‌توان اذعان داشت فقدان روحیه همدلی و محبت‌ورزی به سایر اعضای سازمان، منجر به سلب روح جمعی مشترک می‌شود. پرورش و تقویت این روحیه در زمره مهم‌ترین آموزه‌های اجتماعی اسلامی است (آل‌عمران، ۱۰۳؛ و حجرات، ۱۰). امام مسلمانان را برادر یکدیگر می‌خواند و برای مقابله با دشواری‌ها، به پیوند برادرانه دعوت می‌کند: «در برابر فتنه‌ها آنچه را که پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه‌های طاعت بر آن پایدار است، بر خود لازم شمارید»^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۵۱).

۱- لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَغْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلَلُ وَ تَعْرِضُ لَهُمُ الْعِلْلُ وَ يُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمْدِ وَ الْخَطَا فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ

۲- أَعْرَاضُ بَلَابًا قَدْ اقْتَرَبَتْ فَاتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ وَ احْذَرُوا بَوَاقِ النَّقْمَةِ وَ تَنَبَّتُوا فِي قَتَامِ الْعِشْوَةِ وَ اعْوِجَاجِ الْفِتْنَةِ عِنْدَ طُلُوعِ جَنِينِهَا وَ ظُهُورِ كَمِينِهَا وَ انْتِصَابِ قُطْبِهَا وَ مَدَارِ رَحَاهَا تَبَدُّا فِي مَدَارِجِ حَقِيئَةٍ وَ تَمُولُ إِلَى فِطَاعَةِ جَلِيئَةِ شِبَابِهَا كِشَابِ الْغُلَامِ وَ آثَارِهَا كَأَثَارِ السَّلَامِ يَتَوَارَتْهَا الظُّلْمَةُ بِالْعَهْدِ

هرچند برخی اندیشوران عواملی همچون نژاد، سرزمین و تاریخ مشترک را موجب تحقق همدلی انسان‌ها برمی‌شمرند، اما دقت نظر در تعالیم اسلامی گویای آن است که اشتراک عقیدتی و فکری، اصلی‌ترین عنصر همبستگی محسوب می‌شود (حجرات، ۱۰؛ و آل عمران، ۱۰۳). امام مسلمانان را فارغ از هر نژاد، قبیله، زبان و سنی، برادران دینی یکدیگر خوانده و می‌فرماید: «شما یاران حق و برادران دینی من هستید»^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۱۸). ایشان نابرخورداران از چنین پیوندهای عمیقی را «غریب» می‌نامد^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۳). اهمیت این امر تا بدانجاست که حضرت امیر (ع) یکی از مهم‌ترین رسالت‌های مدیران را چنین ترسیم می‌کند: «جایگاه رهبر یک ملت چونان ریسمانی محکم است که مهره‌ها را متحد ساخته و به هم پیوند می‌دهد؛ اگر این رشته از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده شده و هرکدام به سویی خواهند افتاد. به‌گونه‌ای که هرگز نتوان آن‌ها را جمع کرد»^۳ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۴۶). در کلامی دیگر حضرت توصیه می‌فرماید: «بر شما باد به پیوستن با یکدیگر و بخشش به همدیگر. مبدا از هم روی برگردانید و پیوند دوستی را از بین ببرید»^۴ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۴۷).

حسن همدلی از یک سو زمینه‌ساز پابندی به حقوق و تکالیف در سازمان‌هاست و از دیگر سو تسهیل‌کننده و تداوم‌دهنده همیاری‌های دوستانه است. وجود این مؤلفه در سازمان‌های آموزشی، نقش مهمی در ایجاد وفاق و پیوندهای مستحکم روحی دارد و به تعبیر حضرت (ع)، عامل به‌دست آوردن قلوب رمنده است^۵ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۵۰).

امام (ع) در نامه خویش می‌فرماید: «مهربانی به رعیت و دوست داشتن و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز. مهربانی به مردم و دوست داشتن آن‌ها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز. جان و مال خود را به برادرت نثار کن و عدل و انصاف را به دشمنت ارزانی نما و همگان را از خوش‌رویی و نیکی خود برخوردار ساز و بر مردم سلام کن تا بر تو سلام کنند»^۶ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۵۳).

در نگاه نهج‌البلاغه برای جذب و ایجاد حسن اعتماد افراد باید نسبت به آنان لطف و محبت داشت؛ زیرا این لطف و رحمت سبب ایجاد شبکه‌های قوی عاطفی در بین افراد می‌شود. تعمیق پیوندهای همدلانه، گسترش فرهنگ اعتماد در سازمان را به‌دنبال دارد و در شکل‌گیری رفتار آوا، ضروری است و به‌منزله مؤلفه‌ای پویا و درون‌زاد در سازمان‌های آموزشی تأثیرگذار است.

۱- اَنْتُمْ الْاَنْصَارُ عَلٰی الْحَقِّ وَ الْاِخْوَانُ فِی الدِّیْنِ

۲- وَ الْمَقِلُّ غَرِیْبٌ فِی بَلَدْتِهٖ

۳- وَ مَكَانَ الْقَمِیْمِ بِالْاَمْرِ مَكَانَ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ یَجْمَعُهُ وَ یَضْمُهُ فَاِنْ اِنْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ یَجْتَمِعْ بِحَدِّا فِیْرِهٖ اَبَدًا

۴- وَ عَلَیْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَ التَّبَادُلِ وَ اِیَّاكُمْ وَ التَّدَابُرِ وَ التَّقَاطُعِ

۵- قُلُوبُ الرِّجَالِ وَ حَشِیَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا اُقْبِلَتْ عَلَیْهِ

۶- وَ اَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِیَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَیْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ اَكْلَهُمْ.... فَاَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ

مِثْلَ الَّذِی تَحِبُّ وَ تَرْضٰی اَنْ یُعْطِیَكَ اللّٰهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ

۲-۲- تقویت مسئولیت‌پذیری

در سیستم امت واحده، فاصله گرفتن از فردگرایی و سلیقه‌ورزی‌های شخصی ضرورت دارد. مسئولیت‌پذیری و بیرون آمدن از حصار خودبینی و متعهد شدن در برابر دیگران و به دنبال آن فراهم شدن زمینه رشد اجتماعی، از آثار امت واحده است و ارزش اعمال فرد با ورود به این مجموعه بیشتر می‌شود.

مسئولیت‌پذیری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر دارد و تمام افراد از ثمرات آن بهره‌مند می‌شوند. این مؤلفه در ادبیات دینی از شاخص‌های بسیار مهم سرمایه اجتماعی به‌شمار می‌رود. مؤلفه مسئولیت‌پذیری در سطح خرد در حوزه شاخص‌های کنشی رابطه‌ای برقرار می‌کند؛ زیرا درارتباط و تعامل با دیگران به فعلیت می‌رسد. این مؤلفه در سطح کلان بیشتر در فضای مصلحت‌های اجتماعی قرار می‌گیرد.

احساس مسئولیت پیش‌زمینه مفهومی برای رفتارهای اجتماعی مطلوب است. نسبت دادن مسئولیت موجب بروز واکنش‌های عاطفی می‌شود که خود عامل اصلی رفتارهای اجتماعی مثبت است (بیرهوف، ۱۳۸۷، ص ۲۲۹). پذیرش هرگونه مسئولیت، در صورتی امکان‌پذیر است که فرد یا جامعه از رشد لازم برای پذیرش مسئولیت و به انجام رساندن آن برخوردار باشند (وطن‌دوست، ۱۳۸۷، ص ۷۱). ریشه مسئولیت‌پذیری را شاید بتوان در پیش‌شرط بودن آن در ایجاد و رشد استقلال فردی دانست. امری که این امکان را برای شخص فراهم می‌کند که به ادراک نفس و خودشناسی دست یابد. در یک جامعه پیچیده افرادی که دارای استقلال فردی هستند و اهدافی را دنبال می‌کنند که از ساختار ذهنی آنان درباره واقعیات سرچشمه می‌گیرد، موفق‌تر از کسانی هستند که به سادگی خود را به دست شرایط می‌سپارند. در واقع اگر شخصی براساس نظام کنترل نفس و مسئولیت عمل کند، می‌تواند قابلیت‌های خود را بهتر و مؤثرتر به کار گیرد (بیرهوف، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷).

در ساختار فکری اسلامی، هر انسان نسبت به اعمال کوچک و بزرگ و آشکار و پنهان خود بازخواست می‌شود^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۲۷) و هم مسئول خود و هم مسئول دیگران است؛ زیرا به کار خود ارزش می‌دهد و آن را خوب و به‌هنجار می‌داند و از این‌رو دیگران را نیز به انجام آن دعوت می‌کند (مطهری، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱). امام (ع) در این باره می‌فرماید: «شگفت‌آور است رفتار مرد مسلمانی که برادر دینی‌اش برای حاجتی نزد وی می‌آید. او خود را مرد این کار خیر نمی‌بیند و از انجام آن شانه خالی می‌کند. این فرد مسلمان اگر بر فرض امیدی به پاداش الهی و خوفی از عذاب خدا نمی‌داشت، باز هم شایسته بود از جهت مکارم اخلاق به این کار سبقت گیرد و با سرعت حاجت او را برآورده سازد؛ زیرا مکارم اخلاق، خود از عوامل رستگاری و هدایت‌کننده به راه نجات است»^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۳۷).

درواقع احساس تعهد نسبت به دیگران یکی از مؤلفه‌های اساسی در جایگاه سازمانی انسان محسوب می‌شود. در نگاه روان‌شناسان اجتماعی، تعهد اجتماعی عاملی است که باعث می‌شود افراد در موقعیت‌های مختلف به‌گونه‌ای رفتار کنند که مطابق ارزش‌های انسانی و اجتماعی صحیح تلقی شود. این امر با تنظیم روابط

۱- فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُسْأَلُكُمْ مَعَشَرَ عِبَادِهِ عَنِ الصَّغِيرَةِ مِنَ أَعْمَالِكُمْ وَ الْكَبِيرَةِ وَ الظَّاهِرَةِ وَ الْمَسْتَوْرَةِ

۲- یا عجبا لرجل مسلم یجیئہ اخوه المسلم

اجزای جامعه موجب افزایش اعتماد اجتماعی و احساس امنیت همگانی و کاهش ناهماهنگی شناختی و در نهایت ثبات رفتاری اعضای جامعه می‌شود. در مقابل پایبند نبودن به تعهدات اجتماعی باعث سیطره فردگرایی خودخواهانه خواهد شد (چلبی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳).

توجه به تعهدات اجتماعی در میان کنش‌گران یک جامعه، یکی از ویژگی‌های اصلی جامعه بهنجار است و بهزیستی روان‌شناختی افراد را موجب خواهد شد. نظم اجتماعی که مبتنی بر هماهنگی تمام اجزای جامعه است زمانی محقق خواهد شد که افراد به‌عنوان اجزای جامعه وظایف و مسئولیت‌های خود را شناخته و انجام دهند. در غیر این صورت نظام اجتماعی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شود و مسبب آشفتگی‌ها و از هم گسیختگی‌های اجتماعی خواهد شد. در این راستا ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی، دغدغه متولیان امور کلان در جامعه به‌شمار می‌آید.

حضرت ضمن باور به مسئولیت انسان در مقابل جامعه و ضرورت بهره‌گیری وی از قوای خویش برای پیشبرد اهداف جمعی می‌فرماید: «از خدا بترسید در حق شهرهای او و بندگان که شما مسئولید، حتی از سرزمین‌ها و چهارپایان»^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۶۶).

امام (ع) روحیه تواکل و تخاذل که به‌معنای واگذاشتن امور به یکدیگر و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت است را نکوهش کرده و تأکید می‌کند که توسعه این روحیه، انحطاط اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. ایشان مردم کوفه را به سبب این دست‌بستگی ورزیدن‌ها سرزنش می‌کند^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۲۷).

به‌ترتیب این فرایند، اعضای جامعه را از وضعیت انفعالی و غیرمسئولانه به سمت اعضای توانمند، متعهد و فعال سوق می‌دهد؛ اما تحقق این مهم به‌عنوان یکی از ضرورت‌های جامعه جدید، منوط به ارتقای دانشی و بینشی افراد و فهم ضرورت تشریک مساعی در حوزه‌های خرد و کلان اجتماعی است.

تأمل در میراث علوی نشان می‌دهد که گزاره‌های متعددی درباره طیف متنوعی از مسئولیت‌ها یافت می‌شود. این دسته از روایات به‌عنوان مؤیدی برای استنباط ضرورت مسئولیت‌پذیری، به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های رفتار آوایی در سازمان است.

۲-۳- تقویت نظارت اجتماعی

نظارت اجتماعی، ساز و کاری است که جهت واداری اعضای جامعه به اجرای رویه‌های مطلوب و اجتناب از نامطلوب شناخته شده در جامعه، اتخاذ می‌شود. به اعتقاد محققان علوم اجتماعی، جامعه بدون نظارت اجتماعی نمی‌تواند کارکرد درستی داشته باشد و ترک نظارت اجتماعی زمینه‌ساز بروز ناهنجاری‌ها و نادیده‌انگاری ارزش‌ها خواهد شد (توسلی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۵). بنابراین می‌توان اذعان داشت مسئولیت‌های نظارتی از جمله مهم‌ترین مسئولیت‌هایی است که در آموزه‌های علوی مورد توجه قرار گرفته است.

۱- اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ

۲- عَزَىٰ قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا فَتَوَاكَلْتُمْ وَ تَخَادَلْتُمْ حَتَّىٰ سُنَّتْ عَلَيْكُمُ الْغَارَاتُ وَ مَلَكَتْ عَلَيْكُمُ الْأَوْطَانُ

تأثیرپذیری انسان‌ها از عقاید و رفتارهای یکدیگر موجب آن است که انحراف هر فرد، زمینه‌ساز تباهی کبان جامعه شود. امر به معروف سازوکاری کنترلی براساس احساس مسئولیت نسبت به دیگران در جامعه اسلامی است. «معروف» در لغت به هر امر نیکی که آرامش‌بخش نفوس انسانی است، دلالت دارد و «منکر» امور ناشایست و غیر مشروعی است که انسان به سبب جهل و غفلت مرتکب می‌شود. اهتمام تعالیم قرآنی به اصلاح جوامع بشری موجب شده یکی از اوصاف الهی، امرکننده عدالت و احسان و بازدارنده از ناراستی و ستم باشد (نحل، ۹۰) و اساساً راه رستگاری فرد و جامعه از این طریق محقق شود (آل عمران، ۱۰۴). از این رو بهترین امت‌ها نیز موصوف به این وصف هستند (آل عمران، ۱۱۰).

از منظر علوی، امر به معروف به مثابه هدف نهایی دین^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۲) و با فضیلت‌ترین اعمال^۲ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۱) دانسته شده است. اذعان به تأمین مصلحت‌های جمعی از رهگذر امر به معروف و نهی از منکر در کلام حضرت هویداست: «امر به معروف برای عموم مردم یک مصلحت است و نهی از منکر برای افراد نابخرد که گرایش به انحراف دارند، وسیله کنترلی است» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۶۸).

حضرت در فرازی دیگر فرموده است: «همیشه مردم را به معروف و نیکی، امرکننده و خودت آن را به جای آورنده باش. نکند که تو از کسانی باشی که مردم را به نیکی وادارنده و خودت از آن دورشونده باشی. در این صورت خود گرفتار آن گناه شده و مورد خشم پروردگارت قرار خواهی گرفت» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۲۰۶).

حضرت امیر (ع) مخاطبان را از تن‌آسایی فکری و انفعال عقلانی نسبت به رسوبات فکری پیشینیان و اعمال رواج یافته در جامعه باز می‌دارد. حضرت، مخاطبان را به اندیشه پیرامون کنه حقیقت و تحلیل منطقی موضوعات سوق می‌دهد و ضمن فعال‌سازی ذهن مخاطب، وی را ملزم به سنجش نظرات، باورها و اعمال خویش کرده و از این رهگذر وی را به نادرستی عقاید و عملکردها آگاه می‌سازد و به پذیرش مسئولیت نظارتی در جامعه و تلاش برای تصحیح رفتارها متمایل می‌سازد. ایشان درباره ضرورت پاسداشت فضیلت‌ها می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اگر چنین شود اشراف بر شما مسلط خواهند شد و آنگاه برای رفع آن‌ها به دعا و استغاثه خواهید پرداخت؛ ولی مستجاب نخواهد شد»^۳ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۴۷). «خداوند امر به معروف را به خاطر اصلاح توده مردم و نهی از منکر را برای جلوگیری نابخردان از زشتی‌ها واجب کرد»^۴ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۲۵۲).

حضرت در نکوهش جامعه‌ای که اهمالی به نظارت اجتماعی ندارد، می‌فرماید: «ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم. (پناه بر خدا که) فساد ظاهر شده، ولی نه کسی هست که آن را منکر دانسته و دگرگون کند

۱- غایه الدین الامر بالمعروف و النهی عن المنکر

۲- الامر بالمعروف افضل اعمال الخلق

۳- وَ اِيَّاكُمْ وَ التَّدَابَّرَ وَ التَّقَاتُحَ لَا تَتْرَكُوا الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلِّيْ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ

۴- الْاَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَوَامِّ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ

و نه کسی هست که از آن نهی کند!^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۲۹). «ای مردم اگر یاری حق را فرو نمی‌گذاشتید و از خوار ساختن باطل دست بر نمی‌داشتید، آنکه به پایه شما نیست، دیده طمع به شما نمی‌دوخت و هیچ نیرومندی بر شما مهتری نمی‌فروخت»^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۶۵). «دیده‌ها بر شما دوخته‌اند و از خواب غفلت سر بر نمی‌دارید. به خدا مغلوب و خوارند آنان که یکدیگر را فروگذارند»^۳ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۳۴). در نگاه حضرت امیر (ع) کسی که حتی با قلبش به طرفداری از نیکی و مبارزه با منکرات برنخیزد، قلبش واژگون می‌شود و توان تشخیص نیک و بد را از دست می‌دهد^۴ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۳۷۴). از منظر حضرت، عاملان و کسانی که راضی به آن عمل‌اند، در کیفر یا پاداش شریک هستند^۵ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۵۴).

حضرت (ع) ضمن آگاه‌سازی آنان نسبت به آثار مهلک ترک امر به معروف و نهی از منکر، لزوم پابندی به تعهدات اجتماعی را یادآور می‌شود. تصریح به همسانی مخاطبان حضرت علی (ع) و امت‌های بدوی در تساهل نسبت به کجروی‌های اجتماعی، آنان را به عاقبت‌اندیشی سوق می‌دهد و توجه به فرصت‌های کنونی را یادآور می‌شود.

۲-۴- تقویت انصاف‌ورزی

مفهوم انصاف معمولاً با مفهوم عدالت و مساوات همراه است و بر یکسان نگرستن به منافع خویش و دیگران دلالت دارد. در فضای جوامع دین‌محور و الهی، برقراری روابط منصفانه، رکن بنیاد دینی به‌شمار می‌آید و در قوام‌یابی شبکه روابط سازمانی نقش بسزایی ایفا می‌کند. رعایت انصاف اجتماعی، مبنای اساسی روابط سازگار انسانی، توسعه پایدار در روابط میان فردی و تداوم روابط اجتماعی و درنهایت همزیستی مسالمت‌آمیز افراد در جامعه است. رفتار منصفانه با دیگران با وجود محدودیت‌هایی همچون فقدان لذت حاصل از جلب سود شخصی که به دنبال دارد، در افزایش پیوندهای اجتماعی تأثیرگذار است^۶ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۲۲۴)، دل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و مایه فزونی دوستان می‌شود.

رفتار منصفانه به معنای برقراری تعادل میان امور پسندیده نزد خود و چگونگی رفتار با دیگران یا به عبارت ساده‌تر «رفتار با دیگران، آنگونه که دوست داریم با ما رفتار کنند»، مستلزم درک درست پدیده‌های پیرامونی، تقسیم یکسان مزیت‌های زندگی میان خود و دیگران و قرار دادن خویش در موقعیت مشابه دیگران و همچنین

۱- إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ظَهَرَ الْفَسَادُ فَلَا مُنْكَرَ مُعَيَّرٍ وَلَا زَاجِرٍ مُزْدَجِرٍ

۲- أَيُّهَا النَّاسُ لَوْ لَمْ تَتَّخَذُوا عَنِ نَصْرِ الْحَقِّ وَ لَمْ تَهْنُوا عَنِ تَوْهِينِ الْبَاطِلِ لَمْ يَطْمَعْ فِيكُمْ مَنْ لَيْسَ مِثْلَكُمْ وَ لَمْ يَقُوْ مِنْ قَوِي عَلَيكُمْ

۳- لَا يُنَامُ عَنْكُمْ وَ أَنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ سَاهُونَ غَلَبَ وَ اللَّهُ الْمَتَّخَذُونَ

۴- وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتُ الْأَحْيَاءِ

۵- الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّخِيلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَ عَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانٌ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَ إِثْمُ الرِّضَى بِهِ

۶- بِالنِّصْفَةِ يَكْثُرُ الْمُوَاصِلُونَ

طرد پندارهای خودخواهانه و ظالمانه است. رواج رویه‌های غیرمنصفانه افراد را از شناخت خود، دیگران و رویدادهای سازمانی باز می‌دارد و امکان موضع‌گیری‌های صحیح را از فرد سلب می‌کند.

امام علی (ع) به آیات قرآنی پیرامون تاریخ آفرینش نخستین انسان و در بوته آزمایش قرار گرفتن فرشتگان مقرب باهدف آشکارسازی درونیات آنان استناد کرده و خودبرتربینی را سرچشمه بسیاری از نابسامانی‌ها و ستمگری‌ها در طول تاریخ آفرینش بر شمرده است^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۹۲). در این فرازها سبب اصلی مخالفت آشکار ابلیس با فرمان خداوند، محاسبه‌ای غیرمنصفانه و خودبرتربینانه بوده است. در فرازی دیگر نیز ارجاع حضرت علی (ع) به این شاهد تاریخی دیده می‌شود. ایشان هشدار می‌دهد که راه ابلیس را نپویید تا به سرنوشت او گرفتار نشوید^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۱۹۲). براین مبنا تکبر به‌مثابه عامل زمینه‌ساز رفتارهای غیرمنصفانه، در زمره گناهیانی برشمرده شده که سبب نابودی اعمال نیک گذشته می‌شود و این سنت الهی، تمامی گروه‌های انسانی را شامل می‌شود.

حضرت امیر (ع) در توصیف رفتار منافقانه کوفیان اشاره می‌کند که فاصله گرفتن از رویه‌های منصفانه در یک اجتماع، تداوم حیات آن جامعه را دچار اختلال می‌سازد. امام می‌فرماید: «ای مردمی که به تن‌ها مجتعمید و به آراء پراکنده، سخن‌تان - هنگامی که لاف دلیری می‌زنید - صخره‌های سخت را نرم می‌کند. درحالی‌که کردارتان دشمنان‌تان را در شما به طمع می‌اندازد. چون در بزم نشینید، دعوی رزم‌آوری کنید و چون جنگ چهره نماید، از آن می‌گریزید. دعوت آنکه شما را فراخواند، روی پیروزی نبیند و آنکه برای راحت شما خویشتن را به تعب افکند، هرگز به راحت و آرامش نرسد. مشتی باطیل را بهانه می‌کنید تا در کار تعلق ورزید. همانند امداری که پیوسته ادای دین خویش به تأخیر اندازد. ذلیل سرکوفته، از خود دفع ستم نتواند کرد، که حق جز در سایه کوشش فراچنگ نیاید»^۳ (سیدرضی، ۱۳۷۴، خطبه ۲۹).

از سخنان حضرت می‌توان دریافت که تحقق روحیه انصاف‌ورزی در جامعه نیازمند انسان‌هایی است که هویتی عدالت‌پیشه و دادخواه دارند: «عدالت را شناختند، دیدند، شنیدند و به‌خاطر سپردند و دانستند که همه مردم در نزد ما در حق یکسانند؛ پس به‌سوی انحصارطلبی گریختند. رحمت حق از ایشان دور باد و لعنت بر

رساله جامع علوم انسانی

۱- إِبْلِيسَ اعْتَرَضْتُهُ الْحَمِيَّةَ فَافْتَحَرَ عَلَيَّ أَدَمَ بِخَلْقِهِ وَ تَعَصَّبَ عَلَيَّ لِأَصْلِهِ فَعَدُوُّ اللَّهِ إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ وَ سَلَفُ الْمُسْتَكْبِرِينَ الَّذِي وَضَعَ أَسَاسَ الْعَصْبِيَّةِ وَ نَارَعَ اللَّهَ رِءَاءَ الْجَبْرِیَّةِ وَ أَدْرَعَ لِبَاسَ التَّعَزُّزِ وَ خَلَعَ فِتْنَةَ التَّدَلُّلِ أَلَا تَرَوْنَ كَيْفَ صَغَّرَهُ اللَّهُ بِتَكْبَرِهِ وَ وَضَعَهُ بِتَرْفَعِهِ فَجَعَلَهُ فِي الدُّنْيَا مَدْحُورًا وَ أَعَدَّ لَهُ فِي الْآخِرَةِ سَعِيرًا

۲- فَاعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ وَ جَهَدَهُ الْجَهِيدَ وَ كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ لَأ يَدْرَى أَمِنْ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سِنِي الْآخِرَةِ عَنْ كِبَرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ فَمَنْ ذَا بَعْدَ إِبْلِيسَ يَسْلَمُ عَلَى اللَّهِ بِمِثْلِ مَعْصِيَتِهِ كَلَّا مَا كَانَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِيُدْخِلَ الْجَنَّةَ بَشَرًا بِأَمْرِ أَخْرَجَ بِهِ مِنْهَا مَلَكًا إِنْ حَكَمَهُ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَاحِدٍ وَ مَا بَيْنَ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ هَوَادَةٌ فِي إِبَاحَةِ حِمِّي حَرَمَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ

۳- أَيُّهَا النَّاسُ الْمُجْتَمِعَةُ أَيْدَانُهُمُ الْمُخْتَلَفَةُ أَهْوَأُهُمْ كَلَامُهُمْ بُوهِی الصَّمَّ الصَّالِبَ وَ فِعْلُهُمْ يُطْمَعُ فَيْكُمْ الْأَعْدَاءُ تَقُولُونَ فِي الْمَجَالِسِ كَيْتَ وَ كَيْتَ فَإِذَا جَاءَ الْقِتَالُ قُلْتُمْ حَيْدِي حَيَادٍ مَا عَزَّتْ دَعْوَةٌ مِنْ دَعَاكُمْ وَ لَا اسْتَرَاخَ قَلْبٌ مِنْ قَاسَاكُمْ أَعَالِيلُ بِأَصَالِيلِ وَ سَأَلْتُمُونِي التَّطْوِيلَ دِفَاعَ ذِي الدِّينِ الْمُطْوَلِ لَا يَمْنَعُ الضَّمِيمَ الدَّلِيلُ وَ لَا يَدْرِكُ الْحَقُّ إِلَّا بِالْجِدِّ

آنان باد. سوگند به خدا آنان از ستم نگریختند و به عدالت نپیوستند»^۱ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۷۰).
 از منظر امام، عدل، ستم نکردن است و احسان، جود و بخشش است^۲ (سیدرضی، ۱۳۷۴، حکمت ۲۲۳).
 مقتضای عدالت در تعاملات اجتماعی، انصاف یا مجموعه‌ای از رفتارها، گفتارها و کردارهای عدالت‌طلبانه است.
 از منظر حضرت امیر (ع) «انصاف زداینده اختلافات و پراکندگی‌ها و موجب همبستگی است» (تمیمی آمدی،
 ۱۳۶۶، ص ۸۲). ایشان می‌فرماید: «نسبت به خدا و بندگانش انصاف را از دست مده و نسبت به اطرافیان و
 خانواده و زیردستان انصاف داشته باش که اگر انصاف پیشه خود نسازی، ستم کرده‌ای و کسی که به بندگان
 خدا ستم کند، دشمن اوست و کسی که خدا دشمن او باشد، دلیلش را باطل می‌سازد و چنین شخصی با خدا
 در جنگ است؛ مگر آنکه دست از ستم بردارد و توبه کند»^۳ (سیدرضی، ۱۳۷۴، نامه ۵۳).
 از این منظر انصاف اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم در بروز رفتار آوایی سازمانی به‌شمار می‌آید؛ زیرا در
 مدیریت بسیاری از اختلافات اجتماعی نقش کلیدی ایفا می‌کند. نظریه‌پردازان ارتباطات اجتماعی را به دو
 مجموعه ارتباطات اختلافی و ارتباطات اجماعی تقسیم می‌کنند و معتقدند اختلافات در همه جوامع، مبنای
 تشکیل و بقای جوامع است (کافی، ۱۳۹۴، صص ۱۹۵-۱۸۹). می‌توان ادعان داشت انصاف‌ورزی از تبدیل رفتار
 آوایی به تنش و تضاد که به فروپاشی سازمان می‌انجامد، جلوگیری می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با کاربست روش تحلیل مضمونی، مضامین مهم از پاره‌گفتارهای علوی استخراج و سپس
 ترکیب و سازماندهی شد تا به استخراج مفاهیم فراگیر در جهت مبانی و مؤلفه‌های رفتار آوایی رهنمون شود.
 براساس یافته‌های پژوهش چنین مستفاد می‌شود که باور به محوریت الهی، باور به نیک‌سرشتی انسان، باور به
 آزادمنشی انسان و نیز باور به حیات اخروی در زمره مهم‌ترین مبانی رفتار آوایی در آموزه‌های نهج‌البلاغه
 به‌شمار می‌آید که از بی‌انگیزشی کارکنان در سازمان‌های آموزشی و بروز ندادن آوا می‌کاهد. مبانی مطروحه،
 نقش هماهنگ‌کننده در رفتارهای کنش‌گران هر سازمان آموزشی را ایفا می‌کند و دیدگاه‌های غربی درباره
 رفتار آوا فاقد این اصول راهبردی است.

از دیدگاه علوی، سبک رفتار سازمانی مشارکتی که مشوق همکاری و اظهار نظر است و تمایل به روابط
 حمایتی و تسهیم دانش را افزایش می‌دهد، از مؤلفه‌هایی همچون تقویت همدلی، مسئولیت‌پذیری، نظارت
 اجتماعی و انصاف‌ورزی برخوردار است. حال آنکه در پژوهش‌های برون‌دینی، اتخاذ طیف راهبردهایی در

۱- فَإِنَّمَا هُمْ أَهْلٌ دُنْيَا مُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَ مُهْطُونَ إِلَيْهَا وَ قَدْ عَرَفُوا الْعَدْلَ وَ رَأَوْهُ وَ سَمِعُوهُ وَ وَعَوْهُ وَ عَلِمُوا أَنَّ النَّاسَ عِنْدَنَا فِي الْحَقِّ أَسْوَةٌ
 فَهَرَبُوا إِلَى الْأَثَرِ فَبَعْدًا لَهُمْ وَ سَحَقًا لَهُمْ وَ اللَّهُ لَمْ يَنْفِرُوا مِنْ جَوْرِ وَ لَمْ يَلْحَقُوا بِعَدْلِ
 ۲- «الْعَدْلُ الْإِنصَافُ وَ الْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ»

۳- أَنْصَفَ اللَّهُ وَ أَنْصَفَ النَّاسُ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى مِنْ رَعِيَّتِكَ فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَطْلِمُ وَ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ
 كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ وَ مَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَ حُجَّتَهُ وَ كَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتُوبَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ
 وَ تَعْجِيلِ نِقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَتِهِ عَلَى ظُلْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ دَعْوَةَ الْمُضْطَهِّدِينَ وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ

سازمان که مشوق ابراز نظر کارکنان باشد، توصیه شده است. از آن جمله می‌توان به جو سازمانی حامی یا شیوه‌های فعالیت تشویقی در ساختار سازمانی، اتخاذ سبک مدیریتی تعاملی با نیروی انسانی، فرهنگ سازمانی در قالب رفتارهایی رغبت‌افزا درباره ابراز نظر، نظام ارزشیابی سازمانی مشوق رفتار آوا، ویژگی‌های شخصیتی همچون ثبات عاطفی و پایبندی به اهداف سازمانی اشاره کرد (محمدی و قنبری، ۱۳۹۸، صص ۲۳۸-۲۱۷).

از رهگذر بررسی انجام شده در بیانات حضرت علی (ع) می‌توان اذعان داشت که در منظومه فکری امام علی (ع)، توصیف انسان صرفاً به‌منزله فردی بریده از جمع انجام نشده، بلکه رابطه فرد با جمعی که به‌همراه آن‌ها زندگی می‌کند، به‌منزله وجه اساسی هویت وی در نظر گرفته شده است و در نهادینه‌سازی رفتار آوا در سازمان‌ها و موضوع باورها و اعتقادات، نقش انکارناپذیری دارد. تقویت همدلی، مسئولیت‌پذیری، نظارت اجتماعی و انصاف‌ورزی نیز سازوکارهای مناسب و انگیزاننده‌های رفتار آوایی به‌شمار می‌آیند و بر احتمال اثربخشی و سودمندی رفتار آوا می‌افزایند و به‌مثابه مهم‌ترین عناصر وحدت‌بخش در سازمان‌های آموزشی ایفای نقش می‌کنند.

بنابراین در نگرش دینی، توجه به بعد ملکوتی انسان به‌منظور تعالی فرد و جامعه، همه عرصه‌های مؤثر و متأثر از اجتماع را شامل می‌شود و محوریت خداوند متعال را جایگزین محوریت انسان می‌سازد و از این رهگذر دل‌بستگی‌های هویت‌بخش به سازمان‌ها درک می‌شود و به حوزه حیات اجتماعی پویایی می‌بخشد. چنین رویکردی در انگاره‌های لیبرالیستی و رهیافت‌های فردگرایانه، به‌مثابه حلقه‌ای مفقوده محسوب می‌شود. باتوجه به نتایج به‌دست آمده، پیشنهادات ذیل، کاربست نتایج عملی پژوهش حاضر در سازمان‌ها به‌ویژه نهادهای تربیتی و مدارس است:

۱- تشویق عوامل آموزشی و پرورشی سازمان‌های آموزشی به تبادل نظر با مدیران و رهبران مدرسه با یادآوری و تقویت مبانی فکری اسلامی همچون محوریت الهی، نیک‌سرشتی انسان، آزادمنشی انسان و نیز باور به حیات اخروی.

۲- تقویت آگاهی فراگیران در فضای یادگیری همچون کلاس درس در زمینه فواید مشارکت در جهت‌گیری‌های آموزشی.

۳- ارائه مشوق‌هایی برای معلمان و عوامل پرورشی و اجرایی سازمان‌های آموزشی برای بیان نظرات چالش‌برانگیز خود، حمایت از تبادل دانش در میان کارکنان، تشویق کارکنان به خلاق‌تر شدن و ایجاد رابطه مثبت مدیران با اعضای سازمان.

۴- فراهم‌سازی فضایی که معلمان و سایر عوامل آموزشی و پرورشی بتوانند ایده‌های خود را بدون هیچ تبعات منفی بیان کنند، با تقویت مفاهیمی همچون همدلی، مسئولیت‌پذیری، نظارت اجتماعی و انصاف‌ورزی در جو سازمانی.

باتوجه به اهمیت فراوان رفتار آوایی در پیشرفت عملکرد سازمان‌های آموزشی، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های کمی با رویکرد اسلامی در سازمان‌های آموزشی نیز انجام شود.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- باقری، خ. (بی‌تا). پژوهشی برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. بی‌جا: بی‌نا.
- بهمنی چوبدستی، ا؛ محمدی مقدم، ی؛ و علوی اندارجمی، ر. (۱۳۹۸). تأثیر تعهد سازمانی بر انتقال دانش با میانجی‌گری رفتار آوایی کارکنان دانشگاه علوم انتظامی امین. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی. ۱۴(۴)، ۶۷۵-۶۵۷.
- بیرهوف، ه. (۱۳۸۷). رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه رضوان صدقی‌نژاد. تهران: انتشارات گل‌آذین.
- تمیمی آمدی، ع. (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. بیروت: انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- توسلی، غ. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک. تهران: دانشگاه تهران.
- جعفری، م. (۱۳۷۰). حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- چلبی، م. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- سیدرضی، ا. (۱۳۷۴). نهج‌البلاغه. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صدوق، م. ع. (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. جلد سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، س. م. (۱۳۸۰). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی. جلد ۱۳ و ۱۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عابدی جعفری، ح؛ تسلیمی، م؛ فقیهی، ا؛ و شیخ‌زاده، م. (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. مجله اندیشه مدیریت راهبردی. ۵ (۲)، ۱۹۸-۱۵۱.
- عمید زنجانی، ع. (۱۳۷۹). مبانی اندیشه سیاسی اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فاسی، ع. (۱۹۷۹). مقاصد الشریعه الاسلامیه و مکارمها. رباط: مطبعه الرساله.
- فضل‌الله، س. ح. (۱۳۹۹). من وحی القرآن. جلد اول. بیروت: نشر الزهراء.
- قنبری، س؛ زندی، خ؛ و محمدی، م. (۱۳۹۴). تسهیل آوای سازمانی از طریق رهبری قابل اعتماد رویکردی به تعاملات رهبر پیرو. مجله مدیریت دولتی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. ۷ (۴)، ۸۸۲-۸۶۵.
- کافی، م. (۱۳۹۴). نظریه اجتماعی ارتباط در قرآن. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلینی، م. (۱۳۴۴). اصول کافی. جلد ششم. قم: دارالحدیث.
- مجلسی، م. ب. (۱۴۰۳). بحارالانوار الجامعه لدر اخبار الائمه/الاطهار. جلد نهم. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- محمدی، م؛ و قنبری، س. (۱۳۹۸). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر رفتار آوایی کارکنان در دانشگاه‌ها. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران. ۶ (۲)، ۲۳۸-۲۱۷.
- مطهری، م. (۱۳۶۳). تکامل اجتماعی انسان به ضمیمه هدف زندگی. قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۶۸). جاذبه و دافعه علی (ع). قم: انتشارات صدرا.

نصر، س. ح. (۱۳۸۳). *آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام*. ترجمه شهاب‌الدین عباسی. تهران: دفتر نشر سهروردی.
 نوری طبرسی، ح. (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. جلد یازدهم. بیروت: آل‌البیت لاحیاء التراث.
 وطن‌دوست، ر. (۱۳۸۷). *فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

- Anyango, Ch., Ojera, P., & Ochieng, I. (2015). Meaning and application of employee voice. *International Journal of scientific research and innovative technology*. 2 (5), 2313-3759. Employee voice and silence, Rev. Organ. Psychol Organ behavior. 1, ۹۷-۱۷۳.
- Batt, R., Colvin, A, J. S., & Keefe, J. (2002). Employee voice, human resource practices, and quit rates. *Evidences from the telecommunications industry*. ILR School, 55 (4).
- Deter, J, R. & Burris, E. R. (2007). Leadership behavior and employee voice: Is the door really open? *Acad Manag*. 50, ۸۴-۸۶.
- Hames, K.M. (2012). links with important work-related outcomes. *Thesis of Bachelor of Psychology (Honors)*. Murdoch University.
- Kulkarni S. (2010). Sustaining the equality of employee voice, a dynamic capability'. *International Journal of Organizational Analysis*. 18 (4), 442-465.
- Liu W. Zhu R. Yang Y. (2010). *I warn you because I like you: voice behavior, employee identifications, and transformational leadership*, *Leadersh*. 21 (19), 189-202.
- Morrison E. W. & Milliken, F. J. (2000). Organizational silence: a barrier to change and development in pluralistic world. *Academy of Management Review*. 25 (4), 706-725.
- Morrison, E. w. (2011). Employee voice behavior: Integration and directions for future research. *Academy of management Annuals*. 5 (4), 373-412.
- Premeaux S. F. & Bedeian A. G. (2003). Breaking the silence: the moderating effects of self-monitoring in predicting speaking up in the workplace. *Journal of Management Studies*. 40 (6), 1537-1562.
- Travis, D., Gomes, J. R. & Mor Barak, M.E. (2011). Speaking up and stepping back: Examining link between employee voice and job neglect. *Children and Youth services Review*. 33, 1831-1841.